

طاهره ایبد



طاهره ایبد داستان نویس و متولد 1342 در شیراز است. از سال 1361 در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات سروش و روزنامه آفتابگردان فعالیت ادبی داشته است. نخستین اثر او، در قالب داستان بلند و با نام "صالح" است، که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال 1362 آن را منتشر کرد. اهمیت داستان نویسانی چون طاهره ایبد نوشتن داستان دفاع مقدسی است چرا که زنان کمتری در این عرصه وارد شده اند و چنانچه با وجود تجربه کمتری که در این وادی و عرصه داشته اند چنانچه موفق ظاهر شوند از اهمیت بیشتری برخوردارند.

آثار چاپ شده طاهره ایبد عبارتند از: "صالح"، "شیشه های شکسته"، "خروس جنگی"، "باغچه توی گلدان"، "چهل پنجره: گزیده ادبیات معاصر"، "آخرین نامه"، "ماه من ماه او" و "دور گردون".

داستان "دور گردون" روایت زندگی ایوب است که در جبهه زخمی می شود؛ به طوری که همه فکر می کنند او شهید شده است. او را در نایلون می پیچند. پس از مدتی دانه های عرق روی نایلون، نشان می دهد که او زنده است. اما زنده ماندن او به قیمت فلج شدنش تمام می شود. پدر ایوب از غم شهادت ایوب می میرد. ثریا، همسر او، که از قبل مشکلات زیادی با او داشته، قصد جدایی از او را دارد. به همین منظور به خان پدرش رفته است. اما زمانی که خبر شهادت ایوب را می شنود، به خانه باز می گردد. بازگشت ایوب و فلجی او، دوباره همه چیز تغییر می کند و تنها کسی که می تواند با ایوب ارتباط برقرار کند و به او کمک کند مادرش است. حتی مهتاب، دختر 18 سال ایوب، با وجود دوست داشتن بسیار پدر، خسته شده است.

او از تنش هایی که به علت تشنج های پدر به وجود می آید، گریزان است. ایوب، برخورد عادی با اطرافیان ندارد و داستان ادامه می یابد. صحنه هایی بدیعی مانند تحول شخصیت هایی مثل فردوس و ایوب با حرکتی مناسب صورت می گیرد که داستان را ماندگار و به یاد ماندنی می کند. حمل مورچه ها به پای ایوب، خداحافظی ایوب و مهتاب در جشن عروسی، زخمی شدن دست فردوس و دادن شعار "این سند جنایت امریکا است" از صحنه هایی است که به علت انتخاب فلاش بک های خوب و پلهای ارتباطی قوی، خوش نشسته اند.

با وجود همه این فلاش بک ها، ما از ایوب و خصوصیات روحی او به عنوان یک رزمنده و جانباز چیزی نمی دانیم. نویسنده فقط در صدد است سیر تطهیر او را نشان دهد. رمان پر از رنگ است. آدم های خاکستری که هر کدام شان لطفی دارند و این امر به کشش داستان کمک کرده است. هر چه قدر ایوب از بعد جسمی کوچک تر می شود، تطهیر می شود و حصار جسم را می شکند. فردوس بزرگ می شود؛ تحملش بیشتر می گردد و عاقبت از او مادری بزرگ می ماند.